

## روابط سیاسی ایران و روسیه در عصر ناصرالدین شاه

### دکتر امیر تیمور رفیعی

استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات، محلات، ایران

### نعیمه خراسانی (نویسنده مسئول)

کارشناسی ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات، محلات، ایران

### چکیده

تحولات سیاسی سالهای آغازین قرن نوزدهم در اروپا و واکنش روس ها در برابر این تحولات آغاز دوره ای جدید در مناسبات سیاسی ایران با روسیه بود. روسها با تحمیل دو معاهده گلستان و ترکمانچای در اوایل قرن نوزدهم زمینه نفوذ و سلطه همه جانبه را بر ایران از دست رفت. بلکه به دنیا ان ضعف و تحولی در سیاست داخلی خارجی پیش آمد که میدان به دست روس و انگلیس افتاد. با استفاده از این شرایط بود که در نیمه دوم قرن نوزدهم معاهده آخال را بر ایران تحمیل نموده و آخرین مرحله از توسعه طلبی ارضی خود را به اجرا گذاشتند. در نیمه دوم قرن نوزدهم کشورهای استعماری روسیه و انگلیس روش تازه ای اتخاذ کردند و برای استثمار و استعمار طریقه تازه ای پیش گرفتند و این طریقه جدید عبارت بود از روی کار آمدن عد های از دست نشانگان خود و گرفتن یک سلسله امتیازات اقتصادی لذا دادن رشوه برای پیشرفت منظوره های سیاسی تسلط بی چون و چرای روس ها در دوره ناصری و استفاده بیش از حد آنان از منابع مالی و اقتصادی ایران برای تسلط بر سرزمین هم جوار و راه های نفوذ آنان در این دوره از مهمترین مباحثی است که در این مقاله مورد توجه قرار است. لذا هدف از این مقاله بررسی سیاست های روسیه و ایران در دوره ناصرالدین شاه می باشد. بنابراین سعی شده است با جمع آوری و رجوع به اسناد و برخی از مکاتبات سیاسی بررسی و سپس به تحلیل و تجزیه روابط سیاسی بپردازد.

**واژگان کلیدی:** تحولات قاجار، ایران، روسیه، ناصرالدین شاه.

## مقدمه

روابط و مناسبات ایران و روسیه در عهد قاجار فصلی سرنوشت ساز در تاریخ روابط خارجی ایران به شمار می رود. روابطی که در یک طرف آن دولت قدرتمند و استعمارگر روس قرار داشت و در طرف دیگر آن ایران عهد قاجار قرار داشت که از لحاظ سیاسی - نظامی کشوری ضعیف به شمار می رفت. روس ها در روابط و مناسبات خود با ایران در قرن نوزدهم اهدافی از قبیل گسترش سلطه استعماری توسعه طلبی ارضی و ضربه زدن بر رقبای استعماری خور ( انگلیس و فرانسه) را دنبال می کردند. در پی این مقاصد استعماری بود که روس ها پس از یکسری کشمکش ها و درگیری های نظامی عهدنامه های گلستان و ترکمنچای و أخال را بر ایران تحمیل کردند که در نتیجه آن سرزمین های وسیعی از ایران را تصاحب نمودند.

پیشینه روابط سیاسی ایران و روس:

۱. در عهد صفویه ترکان عثمانی برای ورود به آن منطقه تلاش کردند و با توجه به تفاوت مذهب مردم گرجستان با مناطق دیگر ایران توافقی بین صفویان و سران این منطقه صورت گرفت که یکی از آنها نگه داشتن ولی عهد پادشاه گرجستان در دربار ایران بود. سقوط حکومت صفویه گسترش مرزهای روسیه و هم مرز شدن آنها با گرجستان عزم پادشاه ن منطقه را جزم کرد و اگر تا قبل آن گرجستان کاملاً تابع پادشاه ایران بود از آن پس به دلیل ارتباط با قدرت بزرگتری چون روس تمایل چندانی کاملاً تابع پادشاه ایران نداشت. در عصر زندیه که اختلافات موجود بر سر جانشینی کریم خان زند مانع شکل گیری حکومت مرکزی ایران شد. گرجستان زیر سلطه روس ها قرار گرفت و با غلبه آقا محمد خان بر زندیان سپاهی عظیم فراهم آورد و به هراکلیوس اعلان جنگ کرد ولی با سرعت به نبرد گرجستانی شتافت که فرصت هر گونه مذاکره و درخواست کمک از روس را از آنان ربود (اوری. ۱۳۸۷. ص ۱۲۲). شدت جنایت ها و خیانت هایی قشون قاجار به قدری زیاد بود که هراکلیوس از شهر فرار کرد و دیری نگذشت که پادشاه گرجستان از روس ها کمک خواست و آنها با یاری روس مناطق اشغال شده توسط قشون قاجار را پس گرفته و با عبور از رود ارس خود را به آذربایجان رساندند و این اقدام آقا محمدخان را تحریک کرد تا باز حمله کند و در این موقع تزار روسیه کاترین اول در گذشت و اضاع جدید به نفع شاه بود ولی در اثر

واقعه ای خان قاجار به قتل رسید . ( بینا. ۱۳۴۲. ص ۲۵۵). با حضور فتح علی شاه در صحنه قدرت هراکلیوس تسلط خود برای گرجستان تثبیت کرد و زیر سلطه روس ها رفت و بعد از پسران او به ترتیب گرگین خان به پادشاهی رسید و الکساندر در ایران پناهنده شد و این مسئله بهانه مناسب برای هجوم روس ها و گرجی ها به ایران بود و از طرف دیگر دربار ایران حاضر به از دست دادن مناطق گرجی نشین نبود بنابراین تفکر طرفین برای دست یابی به گرجستان عامل اساسی آغاز جنگ های ایران و روس شد. (تزیونو. ۱۳۵۹. ص ۳۲)

### **روابط سیاسی ایران و روس در اوایل پادشاهی ناصرالدین شاه**

شکست در جنگ های ایران و روس در دوره فتح علی شاه و عهد نامه های ترکمانچای پادشاهان قاجار را سخت مرعوب کرده و روابط روسیه و انگلیس بر سر ایران بیشتر منعکس کننده در چهار چوب مقاصد استعماری بود که روس ها پس از یکسری کشمکش ها و درگیری های نظامی عهدنامه های گلستان ترکمانچای و آخال را بر ایران تحمیل کردند که در نتیجه آن سرزمین های وسیعی از ایران را تصاحب نمودند. اما روس ها در اجرای مقاصد توسعه طلبانه خو به توسعه طلبی ارضی اکتفا نموده و در نیمه دوم قرن نوزدهم شیوه جدیدی از استثمار و استعمار را در رقابت با انگلستان به اجرا گذاشتند و آن عبارت بود از کسب امتیازات سیاسی و اقتصادی که دولت روسیه با استفاده از قدرت نظامی و عوامل دست شانده خود در ایران و در برخی موارد پرداخت رشوه این امتیازات را کسب می کرد. ( مهمید. ۱۳۶۱. ص ۱۲۵)

مهم ترین مساله که در این خصوص می توان توجه قرار داد چگونگی روابط و مناسبات سیاسی ایران و روسیه در دوره ناصرالدین شاه می باشد مناسباتی که محورهای عمده آن به عهدنامه های گلستان ترکمانچای و برخی از امتیازات سیاسی واگذار شده به روس ها در عهد قاجار است و موضوع مورد بحث زمانی اهمیّت دو چندان می یابد که عهد نامه و امتیازات مذکور از عمده ترین عوامل انحطاط عقب ماندگی ایران در قرون اخیر به شمار می روند و لذا شناخت هر یک از آنها بدون تردید روشنگر بسیاری از مسائل امروز ما در روابط بین المللی خواهد شد. لذا شناخت بهتر از منافع قدرت های خارجی در دریای امروز ما در روابط بین المللی خواهد شد. شناخت بهتر از

منافع قدرت های خارجی در دریای مازندران و بررسی نقاط و ضعف حکومت مرکزی ایران در جهت اتخاذ تصمیمات سیاسی این دولتها هنگام مواجهه با نفوذ خارجی دارای اهمیتی شایان است و این شناخت بدون مطالعه پیشین علایق اهداف و منافع و دولت های بیگانه اهمیتی حضور سیاسی تجاری و نظامی آنان قراردادهای منطقه ای و بین المللی حاصل نمی شود. ( مهدوی. ۱۳۸۵.ص ۲۳۷)

#### **امیر کبیر و کاپیتولاسیون روسی**

در پی شکست ارتش ایران از قوای روسیه تزاری در دوره جنگ جهانی دوم ایران و روس که منتهی به انعقاد قرارداد ترکمانچای شد کاپیتولاسیون را نیز بر ایران تحمیل کردند و این امتیاز به سفارت خانه ها و کنسول گری های کشور خارجی حق می داد که در محاکمه افراد تابع کشور خود و مستخدمین سفارتش نظارت و از آنها حمایت کنند. از عهد نامه کاپیتولاسیون عبارت از حق قضاوت در امور اتباع خارجه به کنسول های کشور مربوط آنان می شد. ( مهدوی. ۱۳۸۵.ص ۲۳۸)

اندیشه امیر این بود که تنها سفیران روس و انگلیس در تهران واسطه گفتگو ها و حل و عقد مسائل سیاسی میان ایران با آن دولتها نباشند بلکه ایران بی واسطه بتواند سیاست خود را عرضه بدارد. امیر لازم می دانست که دولت از احوال ان کشور ها آگاهی بیشتری داشته باشد و همیشه تأکید می کرد که گزارش وقایع را مرتب بنویسد دولت انگلیس از نقشه امیر در ایجاد سفارت در لندن استقبال زیادی نکرد ولی مخالفتی هم نداشت ولی روس ها از آغاز با آن مخالفت کردند . ولی امیر سفارت را در پترزبورگ حق ایران می دانست. ( ادمیت. ۱۳۶۲. ص ۲۹۰)

#### **ایجاد سفارت خانه در روسیه**

در عصر ناصرالدین شاه بسیاری از کشورهای بزرگ جهان در ایران سفارت داشته اند ولی ایران در خارج سفارت خانه یا نمایندگی سیاسی نداشت و فقط چند مصلحت گذاری در بعضی از کشورهای جهان داشت و معمولاً کارهای که با دولت های خارج پیش می آمد توسط سفارت خانه ها نماینده های سیاسی آنها انجام می شد. برای امیرکبیر این نقض بزرگ سیاست خارجی بود و مقدمات ایجاد سفارت خانه در لندن و پترزبورگ را فراهم کرد و سفیر اعضای سفارت خانه

برای آن در مرکز معین کرد. (نژاد اکبری مهربان، ۱۳۸۷، ص ۱۶۳) حدود یک ماه و نیم قبل از پایان صدارت امیرکبیر یعنی اوایل ذیحجه سال ۱۲۶۷ ه. ق اعضای سفارت ایران تحت نظارت ریاست میرزا محمد قزوینی با دستور العمل لازم به طرف روسیه حرکت کردند. اما قبل از رسیدن به محل مأموریت خود را گرفتند و سفارت خانه تاسیس شد. اما دالگورکی و نسلرود به این کار ایرادها می گرفتند و با ایجاد سفارت در پترزبورگ موافق نبودند و دلایلی از جمله اینکه خود گرفتار مشکلات مالی و از این رو دولت روسیه در پرداخت بقیه وجه غرامت جنگ و پیمان ترکمنچای فشار نیاورده بهتر است ایران به جای خرج تأسیس سفارت قرض خود را بدهد. (ادمیت، ۱۳۶۲، ص ۵۱۱)

### **روابط ایران و روس در دوره آقاخان نوری**

توطئه گران به وسیله مادر شاه به ناصرالدین شاه تلقین کردند که صدرالعظم مقتدر (امیرکبیر) با پشتیبان دولت روسیه نقشه هایی برای خلع او از سلطنت و جلوس به تخت نشست سلطنت ایران را دارد. شاه نیز تحت تاثیر این تحریکات امیرکبیر را عزل و آقاخان نوری که تحت حمایت انگلیسی ها بود به صدارت برگزید. پس از امیرکبیر استقلال سیاسی ایران در عهد ناصری به کلی از بین رفت و با حضور آقاخان نوری دربار ایران در استان روس و انگلیس دست به دست میشد. اولین برخوردهای سیاسی ایران و روس در دوره صدرات آقاخان نوری هنگامی است که کارگزاران انزلی از ورود کشتی های جنگی روس ها به مرداب انزلی ممانعت می کند. وزیر مختار روسیه با لحنی خشونت بار میرزا آقاخان نوری را تهدید می کند و اذغان می کنند که این کشتی ها علی رغم ارتشی بودن تجارتي است و اولیای ایران از فصول عهد نامه آگاهند و باید کسانی را که به خود جرأت این گونه اقدامان خصومت انگیز را می دهد مطلع سازد زیرا دولت روسیه تحمل نخواهد کرد. میرزا آقاخان نوری پاسخ می دهد که کشتی های جنگی مطابق عهد نامه فقط در بحر خزر می تواند سیر کند ولی حالا که می گویند کشتی تجاری است قبول می کنیم. (تیموری، ۱۳۳۲، ص ۲۵۵)

**تصرف ترکستان توسط روس از ایران**

دولت روسیه پس از شکست در جنگ کریمیه به خوبی متوجه شد که دولتهای اروپایی اجازه نخواهد داد که دیگر آن کشور دامنه تصرفات خود در بالکان و قاره اروپا توسعه دهد. به این جهت توجه خود را به تصرف به سمت شرق معطوف کرد. پس از معاهده پاریس و رفتاری های که متعاقب آن گریبان گیر ایرانیان شد باعث شد که باز هم از نفوذ ایرانیان در ترکمنستان و ماوراءالنهر کاسته شود. دولت روسیه از این امور نهایت استفاده شروع به تحریک ترکمن ها علیه دولت ایران و فرستادن هیات های نظامی به آن نواحی کرد. ( مدنی. ۱۲۷۶. ص ۲۲۶)

در سال ۱۲۷۷ ه.ق در حوالی مرو ایرانیان و ترکمن ها جنگی روی داد سواره نظام ترکمن به سپاه ایران حمله شدیدی کرد و توپخانه ایران را تصرف کرد. سپاه ایران شکست فاحشی خورد و با دادن چهل هزار تلفات متلاشی شد. در واقع جنگ مرو آخرین زور آزمایشی ارتش ایران در قرن نوزدهم به شمار می رفت. پس از شکست دیگر هیچ گونه کوششی را برای تصرف مجدد نواحی آسیای مرکزی از مرکز ایرانیان به عمل نیامد. ( مهدوی. ۱۳۶۲. ص ۲۷۱)

پس از شکست ترکمن ها به سرخس حمله کردند ولی شکست خوردند و روسها نیز مانعی در برابر خود نمی دیدند شروع به پیشروی در ترکستان و ماورالنهر کرد و در فاصله ۱۸۶۱-۱۸۶۶ قوای روسی قسمت اعظم نواحی نکرد. چون زمامداران از اینکه روس ها خواهند توانست پس از سلطه بر این نواحی نظم و آرامش را برقرار کند و از حملات از یک ها و ترکمن ها بر سر احداث خراسان جلوگیری کنند. در سال ۱۸۶۰ م مذارات بین دو کشور روسیه و انگلستان آغاز شد ولی روس ها که به موقعیت خود اطمینان داشتند به راحتی حاضر به محدودیت هایی که انگلستان پیشنهاد می کرد و روس ها که به موقعیت خود اطمینان داشتند به راحتی حاضر به محدودیت هایی که انگلستان پیشنهاد می کرد نبودند ولی وقتی سپهسالار مشهور به طرفداری از سیاست انگلیس بود به صدارت ایران منصوب شد و موجبات مسافرت شاه به لندن را فراهم کرد و روس ها از ترس اینکه به کلی نفوذ خود در ایران منصوب شد و موجبات مسافرت شاه به لندن را فراهم کرد و روس ها از ترس اینکه ه کلی نفوذ خود در ایران را از دست بدهند کوتاه آمده و حاضر به مذاکره با انگلیس شدند و به توافق رسیدند که روسیه از رود جیحون بگذرد و از هر گونه نفوذ به افغانستان خودداری کند. ولی روس ها مکاتبات دوستانه با خوانین افغان را انجام داد و این کار

مورد اعتراض انگلستان قرار گرفت و دولت ایران را تشویق به مقابله در برابر تجاوزات روس ها کرد و ناصرالدین شاه به انگلیس اعلام کرد در صورتی آنها را حمایت کنند که در مقابل روس ایستادگی کنند و قشونی به ترکستان می فرستد ولی انگلیس ها حاضر به قبول هیچ گونه تعهدی نشدند و روس ها از ان موقعیت استفاده کردند و تا سال ۱۸۷۵ م نواحی ترکستان را بدون هیچ گونه مقاومت جدی از ایران تصرف کردند. ( مهدوی. ۱۳۶۲. ص ۲۸۴)

### معاهده آخال

از علل توجه روس ها به آسیای مرکزی و ترکستان این بود که دولت ها اروپایی در جنگ های کریمه و متعاقب آن در کنگره برلین ۱۸۷۹/۱۲۹۶ م نشان داد که به روس ها اجازه نخواهند داد متصرفات خود را در بالکان و قاره اروپا گسترش دهد. ( پالم. ۱۳۸۴. ص ۱۱۲۱). دولت روسیه از جنگ مرو بهره برداری کرد و بر شدت سرعت حملات خود افزود. دربار و رجال ایران هم که خود قادر به مقابله با روس نمی کردند ناچار با پیشروی روس ها کنار آمدند و این چنین شد که عهدنامه آخال در سال ۱۸۸۱/۱۲۹۹ م بین ایران و روس منعقد شد. ( کاظم زاده. ۱۳۵۲. ص ۳۳۱-۳۳۳) و میرزا سعید خان الملک وزیر امور خارجه ایران و ایوان زینوویف وزیر مختار روسیه در تهران به عنوان نمایندگان دو کشور این معاهده را امضاء کردند.

خلاصه مفاد عهد نامه آخال به شرح زیر می باشد:

۱. تعیین سرحدات بین دو کشور
۲. تعیین نماینده برای تصویب علایم مرزی
۳. تعهد دولت ایران برای تخلیه قلعه های گرماب گل گلاب و واگذاری آنها به روسیه
۴. پرهیز دولت ایران از اقداماتی که باعث کاهش آب رود فیروزه و چندین رود دیگر می شود و جلوگیری از برداشت زیاد آب از رود ها
۵. توافق طرفین برای احداث راه ارایه روبین خراسان و ماورالنهر دریای مازنداران
۶. تعهد دو دولت در خصوص ترکمن ها و جلوگیری از ورود اسلحه به کشور خود
۷. قرار گرفتن مأموران روس در نقاط سرحدی ایران

۸. معتبر بودن پیمان های سابق دو کشور

۹. تأیید پیمان از سوی دو کشور و تعیین حداکثر چهار ماه برای مبادل آن.

دولت روسیه با پیمان اخال ضربه دیگری بر تمامیت ارضی ایران وارد ساخت به موجب آن عهدنامه خانات ترکستان و ماوراءالنهر که تا این زمان کم و بیش تابع پادشاهان ایران بودند برای همیشه از ایران جدا شدند. ( محمود. ۱۳۵۳. ص ۱۱۹۶)

#### **نقش بریگاد قزاق در تحولات سیاسی نظامی ایران عصر ناصری**

دولت روسیه دوره سلطنت ناصرالدین شاه با کسب امتیاز بریگاد قزاق یکی از مهمترین مراکز حیاتی کشور ایران را در دست گرفت. بریگاد سواره قزاق که زیر نظر افسران روی تشکیل شد نیروهای مناسبی برای اجرای مقاصد روس ها بودند. دولت روس به بهانه تعلیم قشون ایران توانست یک نیرو نظام و وابسته به آن کشور را با هزینه دولت ایران از خاک این کشور سازماندهی کند و از وجود آن در زمان مقتضی بهره گیری نماید. روس ها که پیوسته در طول دوره قاجار در برابر اصلاحات نظامی ایران کارشکنی می کردند و مانع از تشکیل نیروهای منظم و پیشرفته در ایران می شدند این بار خود جهت تعلیم قشون ایران پاپیش نهادند. اولین هیات افسران روسی به سرپرستی دومانتوویچ در تاریخ ۱۲۹۶ ق / ۱۸۷۹م وارد ایران شدند. دومانتوویچ بلافاصله پس از ورود به تهران سرگرم تشکیل سواره بریگاد قزاق شد. دو فوج مهاجر و بومی هسته اولیه نیرو را تشکیل میدادند که چیزی خود ۱۲۰ نفر بودند و مستخدم دولت ایران شمرده می شدند. بریگاد قزاق یک نیروی نظامی ایرانی بود که دستورات آن از جانب افسران روسی صادر می شد و تحت فرماندهی عالی روسیه قرار داشت و در صورتی که شرایط و منافع روسیه ایجاب می کرد این نیرو حتی از دستورات شاه ایران نیز سرپیچی میکرد. در مسائل سیاسی با صلاح دید سفیر روس مقیم تهران اقدام به عمل می آورد. ( میرزایی. ۱۳۸۳. ج ۱. ص ۸۱)



امین السلطان در اوایل زمامداری تا هنگام واقعه تحریم تنباکو روابط صمیمانه با انگلیسی ها داشت مخصوصاً بر سر مندولف وزیر مختار انگلیس چنان نزدیک شده بود که هیچ وقت کاری از امور مملکتی را بدون مشاوره و اجازه او انجام نمی داد. امین السلطان همیشه تمام کوشش خود را به کار می برد که فقط سرکار بماند و برای انجام این منظور از هیچ اقدامی خودداری نداشت. از سال ۱۲۶۵ ق/ ۱۸۴۸ م سپاهیان آنها شرق و شمال شرق را تصرف کردند. ناصرالدین شاه که در مقابل عمل انجام شده قرار گرفته و در مقابل امضای معاهده پاریس و از دست دادن قسمتی از مرزها به نفع انگلیس ناگزیر بود که در برابر همسایه زورمند شمالی و رقیب سیاسی و استعماری سر تسلیم فرود آمد و طبق معاهده ۱۲۹۹ ق/ ۱۸۸۱ م که در تهران منعقد گردید تسلط روسیه را بر سر مرزهای از دست رفته شمال خراسان رسمیت شناخت. قرارداد مرزی که به وسیله سعید خان موتمن الملک وزیر امور خارجه ایران و ایوان زینوزیف سفیر و نماینده مختار روسیه به امضاء رسید که شامل ۴ فصل بود و طبق دوم عهدنامه مرزی در سال ۱۳۰۳ ه. ق پروتکلی تدوین شد که آن را سلیمان خان از طرف ایران و کاراوایف از طرف روسیه امضاء کردند و نقشه ای حدود به مقیاس ۱۸۴۰۰۰ ترسیم شد. مساله قریه فیروزه هم که در فصل اول عهدنامه سال ۱۲۹۹ ه. ق که می بایست از شمال بگذرد از طرف روس ها بار دیگر مطرح شد و روس ها ه ملکیت خود اصرار ورزیدند و پادشاه پیر و فرسوده ایران ناصرالدین شاه در برابر مطامع روسیه به زانو درآمد و در سال ۱۳۱۰ قرار داد جدیدی شامل شش فصل درباره مبادله دو قریه و تغییرات دیگر تدوین شد و به امضای امین السلطان صدرالعظم و پوتسلف و سفیر روس ها رسید. (محمود. ۱۳۵۳. ج ۴. ص ۱۵۱)

هدف کلی روسیه در ایران سده نوزدهم یعنی توسعه هر چه بیشتر مستملاک و مناطق زیر نفوذشان بود. در قسمت اعظم صد سال پس از گلستان به ویژه در نیمه دوم این دوره در روابط خود با روسیه و انگلستان نقش عامل اصلی را نداشت. بلکه این روابط بیشتر منعکس کننده روابط بین روسیه و انگلستان بر سر ایرا در چارچوب سیاست های کلی ان دو کشور در صحنه جهان تحولات سیاسی خاص آنها بوده است. هدف کلی روسیه در تمام این دوره نسبت به ایران ثابت بود: یعنی هر چه تسلط هر بیشتر خود را بر سرنوشت ایران می خواستند اما در تعیین گام های که برای رسیدن به این هدف لازم می دیدند و در انتخاب رویه های که به دنبال نمودند دگرگونی های محسوسی وجود داشت. یک علت این دگرگونی ها تغییرات وضع و روابط کلی خود این دو کشور بوده و یکی از علل دیگر را باید در تغییر وضعیت و روابط مخصوص سازمان ها و اشخاص مؤثر در سیاست آن دو کشور نسبت به ایران است.

روس ها دشمن استقلال و آزادی و ترقی و تمامیت ارضی بود. ما را ناتوان و عقب مانده می خواست که سیاست صرف متجاوزانه نظام و استعمار اقتصادی خود را پیش ببرد. با هر نقشه صلاح و تعبیری سرسبزیگی داشت. دیپلمات های مجرب و آزموده استعمارر در داخل کشور های اسلامی به این نتیجه رسیدند که مذهب مثل رشته ای محکم و خلل ناپذیر افراد قبایل را متصل و متحد می کند که عوامل طبیعی اختلاف از قبیل زبان و نژاد، با همه نیرو و کششی که دارند نمی توانند اثر سحرانگیز آن را خنثی یا نابود کنند. استعمارگران به این نتیجه رسیدند که برای تجزیه و تفرقه ملت ها عامل مذهب که سرچشمه پر فیض عقیده سیراب می شود موثرترین وسیله است. امیرکبیر با اتخاذ سیاست موازنه منفی در مقابل روسیه و انگلستان و کوشش به منظور بهره گیری از قدرت سوم تحول مثبتی در مناسبت های خارجی ایران ایجاد کند. او در سیاست خارجی به اصل عدم مداخله بیگانگان در امور داخلی ایران و هم چنین عدم درگیری با دول بیگانه به منظور جلوگیری از بهانه جویی دول دیگر برای مداخله در امور ایران متعقد بود و این اصل را در مورد دولت های انگلیس و روس پیگیری می کر و سیاست موازنه چند جانبه او از چند لحاظ اهمیت داشت: ۱- کاربرد این دیپلماسی نه فقط اقدامی مهم در سیاست خارجی ایران به شمار می رود. ۲- این استراتژی مهم سیاست خارجی، ایران را در پیوند با قدرت بین المللی از جهات

سیاسی در حوزه رقابتی بین آنها قرار می داد. ۳- استفاده از این دیپلماسی این واقعیت را مسلم ساخته که اصولاً سیاست خارجی هر کشور در حکم متغیر وابسته ای می باشد که سرنوشت آن را ساختار سیاسی آن کشور تعیین می نماید.

با توجه به مطالعات این تحقیق به این نتیجه می رسیم که در دوران سلطنت ناصرالدین شاه نتایج شوم عهد نامه های گلستان و ترکمانچای و عوارض جنگ های طولانی روز کرد. دولت های اروپایی که با ایران رابطه سیاسی برقرار کرده بودند موفق به کسب امتیازاتی شدند که روسیه و اقتصادی بیگانگان و مخصوصاً روسیه و انگلیس در ایران به حد کمال رسید و استقلال ایران و حیات اقتصادی ملت ایران بیش از هر زمان دیگری متزلزل شد. امنیت عمومی مردم ایران به علت قیودی که در عهد نامه های گلستان و ترکمانچای و سایر معاهدات نظیر آن توسط شاه و درباریان با دول بیگانه بسته شده بود از بین رفت. روس ها همزمان با توسعه طلبی ارضی در سرزمین های شمال شرقی به کسب امتیازات اقتصادی عدم امنیت و ترس از مصادره و چپاول اموال، پول، دوستی، رشوه خواری و وطن فروشی برخی رجال و تحت تاثیر قرار گرفتن شاهان قاجار از مشاهده پیشرفت های غرب در مسافرت به اروپا اشاره کرد.

## منابع و ماخذ

۱. آوری. پیتر. (۱۳۸۷). تاریخ ایران دوره افشار. زند. قاجار. مترجم مرتضی ثاقب فر. تهران. انتشارات مهتاب. چاپ اول
۲. آدمیت. فریدون. (۱۳۶۲). امیرکبیر و ایران. تهران. انتشارات خوارزمی. چاپ هفتم
۳. بینا. علی اکبر. (۱۳۴۲) تاریخ سیاسی و دیپلماسی ایران. جلد اول. تهران. انتشارات دانشگاه تهران. چاپ سوم
۴. ترنزیو. پیوکارلو. (۱۳۵۳). رقابت های روس و انگلیس در ایران. مترجم عباس اذریں. تهران. انتشارات اقبال. چاپ چهارم
۵. تیموری. ابراهیم. (۱۳۳۲) عصر بی خبری یا تاریخ امتیازات ایران. تهران. انتشارات اقبال
۶. پالمز. روزول. (۱۳۸۴) تاریخ جهان نو. مترجم ابوالقاسم طاهری. جلد دوم. تهران. انتشارات امیر کبیر. چاپ چهارم
۷. کاظم زاده. فیروز. (۱۳۵۴). روس و انگلیس در ایران. مترجم منوچهر امیری. تهران. انتشارات اموز و پرورش انقلاب اسلامی
۸. مهدوی. (۱۳۶۲). تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی
۹. مهمید. محمد علی. (۱۳۶۱) تاریخ روابط دیپماسی ایران. تهران. انتشارات نوبهار. چاپ اول
۱۰. محمود. محمود. (۱۳۵۳) تاریخ روابط سیاسی ایران و روس. تهران انتشارات اقبال. چاپ چهارم
۱۱. میرزایی. محسن. (۱۳۸۳) تریچه بریگاد و دیویزیون قزاق. جلد اول. تهران. انتشارات علم
۱۲. نژاد اکبری مهربان. مریم. (۱۳۸۷) میرزا تقی خان امیر کبیر. نشرپارسه. چاپ اول
۱۳. نصر. سید تقی. (۱۳۸۳) ایرا در برخورد استعمارگران از آغاز تا قاجاریه تا مشروطیت. تهران. انتشارات مولفان و مترجمان ایران. چاپ اول
۱۴. مدنی. جلال الدین. (۱۲۷۶) تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران. جلد سوم. تهران. انتشارات پایدار

